پرده که این منت نه ازوست اشارت حرف از جمله حروف تهجی هفت حرف درین سوره نیامده و دران نکتهاست امام اجل رحمة الله
در تفسیر فاتحه آورده که قیصر روم بر فاروق اعظم نامه نوشت و درانجا یاد کرد که ما در انجیل می یابیم که سوره ایست هفت
آیه و از هر هفت خالی هر که این سوره تلاوت فرماید بهشت ازان اوست و آن حروف ث ج خ ز ش ظ ف
و ما در کتاب انجیل بسیار وقت بجستیم و شتافتیم سوره ازان حروف خالی نیافتیم اگر در کتاب شما برین منوال سوره باشد
جواب اعلام ازانی فرماید تا دران باب مکری بثواب کرده شود فاروق اکابر صحابه را طلبید نامه قیصر بدیشان نمود و التماس
تفحص چنین سوره از مصحف مجید فرمود ابی بن کعب رض که در مکتب ادب علّم وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ سبق گرفته بود
علی الفور گفت ای خلیفه زمان و مظهر امن و امان آن سوره مکتوب فاتحة الکتابست که هیچیک از حروف سبعه در وی نیست
پس فاروق جواب نامه بقیصر نوشت سوره فاتحه را بفرستاد آنچه تو میطلبی مفتاح الخطاب فاتحة الکتابست قیصر بعد از
مطالعه این سوره فرمود اسلام آورد و ببرکت فاتحه ابواب فتوحات ایمانیه برو مفتوح گشت و در تفسیر مفاتیح الغیب
مذکور است که هر یک ازین حروف سبعه که در فاتحه نیامده اشاره بصفتیست از صفات دوزخیان که قاری این سوره ازو
دور خواهد بود و در بعضی کتب آمده ث اشارت بثقلت و ج بجوع و خ بخذلان و ز بزجر و ش بشقاوت و ظ بظلام و
ف بفتور و این صفتهای دوزخیانست و اهل بهشت ازینها مبرا و معرا باشند و یکی از اکابر فرموده که ث اشارت
به ثبور دارد و قاری فاتحه ازان دور است بلکه ثبور ازان ارباب فجور است دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ج ایمای بجزع اصحاب
نار است تالی فاتحه را جزع و فزع چکار است قوله تعالی لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ خ عبارت از خوف و هراس است
و بنای امان خوانندهٔ ام القرآن بغایت منیع الاساس است خوف ازان دوزخیان نا سپاس است قوله تعالی لَا بُشْرَىٰ
يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ و ز اشارت بزفیر و ش عبارت از شهیق است قاری ام الکتاب باستماع نغمات فَبَشِّرْ
عِبَادِ حقیق است زفیر و شهیق اصوات منکره هر مرد و صندیق است لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ظ نشان ظلمت و غوایت است
و آنکه فاتحه خوانده نور او از لمعات آفتاب اظهر است تیرگی و تاریکی بهرهٔ هر منافق ابتر است ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ
بَعْضٍ ف علامت فراق است و جزای تلاوت فاتحه بشارت وصال تلاقیست حجاب بعد و فراق ازان اهل حجاب
و شقاوتست كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ و امام اجل رحمه الله فرمود که این هفت حرف دلیلست بر آنکه
قاری فاتحه را هفت عقوبت نباشد و هفت کرامت باشد ث او را ثبور نباشد و ثواب موفور باشد وَعِندَهُ حُسْنُ
الثَّوَابِ ج او را جزع و نومیدی نباشد جنت جاویدی باشد جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا خ او را خوف عذاب
نباشد خلود در حسن المآب باشد هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ز او را زفیر نبود و ملک کبیر بود لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ
زِيَادَةٌ ش او را شهیق نبود و شراب رحیق بود يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ ظ او را ظلمت جحیم نبود و ظلال نعیم بود
فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ف او را فراق نبود و فیض تلاقی باشد إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ آنانکه روز قیامت بی کرامت کلام

فاتحه

فاتحه بوصله و صمات آیند در حجاب بعد و حرمان سراسیمه بی سامان بمانند و آنها را که از قرائت او بهره مند و از دولت قرب
سربلند باشند در مهمانخانهٔ دار الوصال بر سر مایدهٔ فیض افضال نشانند میزبان قدس ایشانرا بر بساط نشاط نعیم انس
و ساقی لایزال عنایت از شراب تجلیات جمال قدحهای مالامال بدیشان دهد قطعه خوشا آن زمانی که ساقی تو باشی ٭ بریزی
تو بر ما قدحهای باقی ٭ خوشا آن زمانی که هر دو ز ما ٭ برقص اندر آید که رب تعالی ٭ ز سر گیرد این دل عروج منازل ٭ ز نو گیرد
این تن مزاج جوانی ٭ و چنانچه هر یک از حروف سبعه که درین سوره نیامده اشارت بصفتیست که خوانندهٔ فاتحه ازان
مبراست و معرا و بیست و یک حرف دیگر که در فاتحه آمده هر یک عبارت از منقبتی است که قاری این سوره بدان مزین
و مجلاست الف الفت طاعت ب برکهٔ متابعت است ت تمامی نعمتست ح حقایق حکمت د دولت پردازی ذ
ذوق شوق جمال ر راحت عینی س سلوت لاریبی ص صفات کرامت ض ضیای مقامات ط طهارت صفات
ع علو درجات غ غنای کامله ق قوت طی منازل ک کمال معارف ل لقای عوارف م مشاهدهٔ نتایج
جبروت ن نظارهٔ بدایع ملک ملکوت و ولایت توفیق ه هدایت طریق تحقیق ی یقینی رهانندهٔ از شوایب
شکوک و رسانندهٔ بکمال محبت مالک الملوک این همه صفات و سمات خواننده را دست دهد که بر بدیه جذبهٔ عنایت
ازلی مرغ روحش را از آشیانهٔ اوصاف بشری بهوای فضای صمدیت رساند در بیخودی بخودیش آن نظر بخشد که
جمال متکلم در آیینهٔ کلام معاینه بیند و از ورای حجاب صوت و حرف جلوهٔ حسن معنی قدم مشاهده تواند نمود قطعه
کجا نور جمال معنوی جلوه گر بیند ٭ مگر آنکو حجاب صوت حرف از پیش بر دارد ٭ چو بوتیمار گرد ساحل تقلید کم گردد ٭ نهنگ
آسا بسوی قلزم تحقیق رو آرد ٭ در تیسیر المطالب فرموده که حروف چهار قسمند علی و اعلی و دنی و ادنی و اما حروف
علیه هفتست و ترکیب صانع حکیم مجتمع اوست و اعلی هفت دیگر که لفظ طریق سمح و ال بر اوست و حروف دنیه نیز هفتست
که مرکب غضب تز و ر جامع اوست و هفت حرف باقی که در فاتحه نیست ادنی است و ازو کلام عربی منتظم نشود
و سورهٔ فاتحه ازان حروف خالیست و مقطعات قرآنی حروف علی و اعلی است و در او حروف دنی و ادنی نیست
و نزد بعضی حروف اعلی لاهوتی باشد و علی جبروتی و دنی ملکوتی باشد و ادنی ناسوتی و چون حبل المتین فاتحه در ماندهٔ
مضیق بشریت را از چاه ناسوت خلاص داده ببارگاه لاهوت میکشد لاجرم حروف که تعلق بناسوت دارد در وی
نیامده گفته اند حروف مقطعات که در اوایل سور واقع شده باشد و اسرار همه قرآن در و ودیعت نهاده چهارده است
که نصفی باشد از حروف تهجی چهارده دیگر باقی مانده چون فایدهٔ مرآت حقایق قرآنی و جامع دقایق گشت ازان
چهارده باقی نصفی دارد و نصفی خالیست تا با مقطعات که خزاین رموز و اشارتست در قبول نصف مشابه باشد و در کتاب البیان فی
اعجاز القرآن فاتحه را کلید مخزن مقطعات میگوید و از آنکه اول مقطعات الف لام است و آخرش نون و فاتحه در مبدا و منتها بهمین
حروف موافقت دارد مؤید این سخن توان داشت و اگر کلمات فاتحه بی بسمله نیست و نه با مطابق سوری که فواتح آن بحروف

Copyright @ King Saud University